تهران گردی

میدان حسن آباد و هشت گنبد معروفش

آریا شیروانی

■ خیلی از قدیمی‌ها و مسن‌ترها، میدان حسن‌آباد را قلب تهران می‌دانند و این میدان جای بسیار مهمی در خاطرات آنان دارد، اما این میدان امروز چگونه است؟ از ایستگاه مترو که در دل میدان حسن‌آباد واقع شد وقتی پا به بیرون می‌گذاری و وارد میدان می‌شوی، قبل از هر چیز، هشت گنبد که در چهارگوشه میدان خودنمایی می‌کند توجهات را جلب می‌کند، اما شاید قبل از آنکه ناخودآگاه به یاد دوران قدیم بیفتی، حس می‌کنی در دوران رنسانس ایتالیا هستی اما بلافاصله بوق‌های سرسام‌آور ماشین‌های اطراف میدان و هوای آلوده، تو را از این حال و هوا بیرون می‌کشد. اینجا میدان حسن‌آباد یا هشت گنبد با سابقه‌ای بیش از ۸۰ سال است که به سبک معماری کاملا غربی که هیچ نسبتی با معماری سنتی ایرانی ندارد، برپا شده است. تناقض سنت غرب و شرق در این مکان به خوبی دیده می‌شود. این میدان با چهار ساختمان قرینه که به‌گونه‌ای منحنی شکل ساخته شده با هشت گنبد مدور، محصور شده که در تقاطع خیابان امام خمینی (سپه سابق) و وحدت اسلامی واقع شده است. انتهای تمام خیابان‌هایی که به میدان حسن‌آباد منتهی می‌شود سنگفرش شده که نظیرش را کم دیده‌ایم و همچنین زیرگذری جهت تردد خودروها تعبیه شده است. اطراف میدان را مغازه‌های قفل‌فروشی، ابزار و یراق‌آلات در برگرفته و در سمت جنوبی میدان نیز بورس سیسمونی‌فروش‌ها و در قسمت شمالی مرکز فروش مبلمان اداری و لوازم چوبی است. در واقع حالا این میدان، میدانی است با ابعاد مختلف تجاری، اداری و تاریخی.

قبرستان حسن‌آباد

در گوشه شمالغربی میدان در گذشته قدیمی‌ترین قبرستان تهران قرار داشت که به نوعی در گوشه شهر بود اما بعدا و از سال ۱۳۱۷ ه.ش آتش‌نشانی بزرگی جای آن قرار گرفت. از یکی از کفاشانی که در یک گوشه میدان مشغول به کار بود، پرسیدم چه خاطره‌ای از این میدان داری؟ با دست اشاره به آتش‌نشانی کرد و گفت: «آنجا را می‌بینی، قبل از اینکه آتش‌نشانی شود قبرستان بود و در کنارش یک حمام که می‌گفتند جن‌ها در آنجا رفت‌وآمد دارند. من کوچک بودم و یکی، دو باری به این حمام رفتم. البته با چشمان بسته، خدا رو شکر که چیزی ندیدم ولی صداهایی شنیدم که بعدا به دلیل حضور مداوم جن‌ها، حمام را بستند.» در واقع داستان حضور این جن‌ها در حمام موجود در میدان به‌گونه‌ای بود که هیچ‌کس حاضر نمی‌شد، پس از غروب آفتاب به این حمام برود.

تاریخچه میدان حسن‌آباد

کمتر کسی می‌داند که قبل از احداث این میدان تاریخی، باغ بزرگی در این محوطه قرار داشت که متعلق به میرزا یوسف آشتیانی بود. وی بعد از گسترش یافتن تهران، آن منطقه را به نام پسرش، حسن، حسن‌آباد نامگذاری کرد که این وجه تسمیه نامگذاری حسن‌آباد است. هر چند که قبل از آن این محله به هشت گنبد معروف بود. در حسن‌آباد چهار ساختمان به شکل قرینه توسط قلیچ باقلیان تحت نظارت معمار و مهندس برجسته ارمنی تبار لئون تادوسیان به سبک معماری غربی ساخته شده است. پس از فوت آشتیانی، ورثه این ملک را تکه‌تکه کرده و به مردم فروختند، به طوری که فقط در دل محله مسکونی حسن‌آباد دو چهارراه کوچکی از آن باقی ماند. پس از تغییر سلطنت قاجاریه، پهلوی اول آن چهارراه را به میدانی دایره شکل به شعاع ۴۵ متر و مساحت حدود ۶۵۰۰ متر بنا کرد و در پی بازسازی بناهای این میدان، یکی از ساختمان‌های قرینه چند طبقه آن تخریب و به جایش بانک ملی با نمای شیشه‌ای ساخته شد که در پی بازسازی مجدد در جلوی ساختمان نوین بانک، سازه‌ای نمایشی شبیه همان سازه‌های قرینه‌ای ساخته شد تا تمامیت فضای معماری آن تا حدی بازگردد. قبل از انقلاب اسلامی تندیسی از ملک‌المتکلمین از مبارزان مشروطه که به دستور محمدعلی شاه کشته شده در این میدان بود که به علتی نامشخص به انبار پارک‌شهر انتقال یافت و پس از چندی که آهنگ برپایی دوباره آن برخاست، روشن شد که تندیس ناپدید شده است. میدان حسن‌آباد پس از پیروزی انقلاب به میدان ۳۱ شهریور تغییر نام داد اما دوباره به نام سابق خود «حسن‌آباد» بازگشت. قرار گرفتن این میدان در خیابان حافظ باعث شده که این محله حالا از شلوغ‌ترین مکان‌های شهر باشد چرا که جدا از مردمی که برای خریدهای گوناگون به آنجا می‌آیند، بسیاری هم از طریق این خیابان و این میدان به سوی مناطق جنوبی شهر می‌روند. چند سال پیش بورس اصلی لوازم و مبلمان چوبی و اثاثیه اداری در نزدیکی میدان حسن‌آباد بود که حالا چند منطقه را به عنوان رقیب خود می‌بیند. بورس تهیه لوازم و لباس‌های نظامی و ارتش و بورس تهیه ابزارآلات و یراق و هرگونه وسایل مکانیکی و صنعتی هم در نزدیکی این میدان واقع است که مشتریان بسیاری را به خود جلب می‌کند و این دلیل شلوغی آن است. حالا هشت گنبد مشهور این میدان که زمانی در خطر تخریب قرار داشتند جزو آثار فرهنگی و باستانی ثبت شده‌اند و حالا قرار است که تمام اماکن مرتبط با این گنبدها تحت حفاظت و نظارت قرار بگیرند.

مریضخانه‌ای که جایگاه طب نوین ایران شد

سینا، اولین بیمارستان ایران

فرزانه نیکروح متین

«اذا مرضت فهو یشفین» خدای من، همان خدایی است که چون بیمار شوم، مرا شفا دهد.» آیه فوق در سردر نخستین و قدیمی‌ترین بیمارستان تهران به نام سینا حک شده است؛ بیمارستانی در دل ابزارفروشی و یراق‌آلات حسن‌آباد. وقتی وارد محوطه بیمارستان می‌شوی، بوی قدیمی بودن و حس نوستالژی سراغت نمی‌آید، با اینکه بعضی از بناهای داخل حیاط بیمارستان، از همان تاسیس پابرجاست، شاید چون همچنان مشغول ساخت‌وساز و اضافه نمودن ساختمان به بیمارستان هستند یا اینکه در طی سالیان متمادی ساختار آن به کل تغییر داده شده و بارها مورد بازسازی قرار گرفته است، دیگر اثری از آن بنای تاریخی به جانمانده. محوطه بیمارستان از خیابان سی تیر (قوام‌السلطنه) آغاز و تا ۱۰۰ متر مانده به میدان حسن‌آباد پایان می‌یابد. تمام ورودی‌های آن هم مدرن است و اثری از ۱۰۰ سال گذشته دیده نمی‌شود فقط قسمت شرقی بیمارستان که ساختمان بیماری‌های ارولوژی (مجاری ادراری) است که در زمان سلطنت احمدشاه تاسیس شده به همان صورت اولیه ظاهر خود را حفظ کرده که به قول پرستارانش این ساختمان، قدمتی ۱۱۰ ساله دارد. در این بیمارستان دولتی، علاوه بر پنج ساختمان مجزا، بوفه شبانه‌روزی، پایگاه بسیج، تالار گردهمایی، بانک، پارک کودک به همراه دستگاه‌های بدنسازی و مهدکودک هم وجود دارد که به تدریج در ۱۰ سال اخیر به آن اضافه شده‌اند.

تاریخچه بیمارستان سینا

بعد از مراجعت ناصرالدین شاه از سفرهای اروپایی که به شدت تحت تاثیر پیشرفت‌های صنعتی اروپا قرار گرفته بود، با مشاهده بیمارستان‌های فرنگی دستور داد تا مریضخانه‌ای به سبک اروپایی در دل شهر تهران دایر کنند که در واقع آغازی برای گسترش علم طب‌شناسی شد. مشیرالدوله صدراعظم وقت، علی‌قلی میرزا اعتضادالسلطنه و ناظم الاطبا نفیسی (پزشک و مؤلف فرهنگ بزرگ فارسی به فارسی) مامور انجام این کار شدند. مریضخانه موردنظر در سال ۱۲۵۱ ه.ش با نام «مریضخانه دولتی» با ۴۰۰ تخت با سه ساختمان مجزا در خیابان امام‌خمینی (سپه سابق) نرسیده به میدان حسن‌آباد (هشت‌گنبد) تاسیس شد. به گفته قدیمی‌ترین پرستار بیمارستان براساس اسناد موجود در یکی از ساختمان‌های بیمارستان در یک سال اول تاسیس بیش از ۲۵۰۰ بیمار، معالجه شدند. ریاست این مریضخانه سال‌ها برعهده ناظم‌الاطبا نفیسی بود. وی شاه را متقاعد به تربیت پزشکان ایرانی برای معالجه بیماران کرد و بر اثر اقدام وی در مدرسه دارالفنون، شعبه‌ای به‌نام طب دایر و مقرر شد دانشجویان هفته‌ای چند بار به اتفاق استادان در این مریضخانه گرد هم آیند و برای انجام کارآموزی، در این بیمارستان مشغول شوند که این مریضخانه نخستین دانشکده پزشکی ایران محسوب می‌شود. بعد از ناظم‌الاطبا، مخبرالدوله به ریاست این بیمارستان منصوب شد تا سرانجام بعد از انتخاب رییس‌های متفاوت در سال ۱۲۷۰ ه.ش میرزا ابوالحسن‌خان بهرامی که تازه از فرنگ به تهران مراجعت کرده بود، رییس مریضخانه دولتی شد و به قصد سازمان‌دهی بیشتر و پیشرفت سریع، به تدریج پزشکان اروپایی را در این بیمارستان گماشت. در زمان سلطنت مظفرالدین شاه، نخستین بازسازی و سازماندهی بیمارستان، توسط آلمانی‌ها انجام گرفت که بناهای به‌جامانده از این بیمارستان، همان ساختار آلمانی خود را حفظ نموده است و با گذشت سال‌ها بخش‌های مختلف دیگری به این بیمارستان افزوده شد. در فاصله سلطنت پهلوی اول تا پهلوی دوم، این مریضخانه مجهز به بخش‌های داخلی، جراحی، ارولوژی، رادیولوژی، چشم‌پزشکی، دندانپزشکی، گوش و حلق و بینی و پوست شد. این مریضخانه تا سال ۱۳۱۹ شمسی با نام مریضخانه دولتی به کار خود ادامه داد و در آن سال به منظور تجلیل و قدردانی از پدر طب ایران ابوعلی‌سینا، نام «سینا» جایگزین مریضخانه دولتی شد که هم‌اکنون با همین نام دایر است. بعد از سال ۱۳۱۹، در بیمارستان سینا، تغییرات عمده‌ای ایجاد شد و بیمارستان به دانشکده پزشکی دانشگاه تهران الحاق شد و در دهه ۴۰ با ریاست پروفسور عدل که تازه از فرانسه برگشته بود، بخش‌های مختلف پزشکی دیگری به ساختمان‌ها افزوده شد. ریاست پروفسور عدل آغازی برای پیشرفت جراحی در تهران و سایر شهرستان‌ها بود. وی ضمن تربیت استادان و جراحان بزرگ، آنها را روانه شهرستان‌ها کرد. از جراحان بنام که هم‌اکنون در قید حیات هستند، می‌توان به دکتر جهرمی، احمد فلسفی، قره‌گزلو و نیرمند اشاره کرد. در اوایل دهه ۵۰ به تدریج بخش‌های جراحی اعصاب، قلب، دیالیز و ارتوپدی، به مجموعه بیمارستان اضافه شد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، این بیمارستان تا خیابان سی‌تیر (قوام‌السلطنه) گسترش یافت و دو ساختمان به سه ساختمان اصلی که از آغاز پابرجا بود، اضافه شد.

امروز سینا

اکنون با گذشت ۱۵۰ سال از تاسیس نخستین بیمارستان طهران، این بیمارستان به عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز آموزشی- درمانی دانشگاه علوم پزشکی تهران مطرح است و از مهمترین مراکز ارجاع بیماران سانحه‌دیده و تصادفی در سراسر کشور و از بزرگ‌ترین و موفق‌ترین مراکز در زمینه جراحی ترمیمی و پیوند اعضا محسوب می‌شود. این بیمارستان ۴۰۰ تختخوابی با ۷۰ عضو هیات علمی و ۷۰۰ پرسنل در پنج ساختمان، اکنون با مدیریت دکتر غفارزاده اداره می‌شود.

خاطره‌ای از ناصرالدین شاه و بیمارستان

همزمان با ایجاد مریضخانه دولتی، به گفته مسوولان یک بیمارستان نظامی در تهران تاسیس شد و اداره آن به شاهزاده علیقلی میرزا واگذار شد. این بیمارستان که هر ساله بودجه مناسبی در اختیار مدیرش قرار می‌گرفت، اختصاص به نظامیان کشور داشت اما به علت سودجویی‌های علیقلی میرزا و از آنجا که وی بودجه دریافتی را صرف خود می‌کرد، در این بیمارستان خبری از پزشک، پرستار و دارو نبود و چنانچه بیماری به آنجا مراجعه می‌کرد، فقط با تعدادی محافظ نظامی که مشغول مراقبت‌اش بودند، روبه‌رو می‌شد. یک روز ناصرالدین شاه که شیفته گزارش‌های تقلبی علیقلی میرزا شده بود و کاملا باور کرده بود که نظامیان مرتب به بیمارستان مراجعه و تحت معاینه و مداوا قرار می‌گیرند، تصمیم گرفت بازدیدی از آنجا داشته باشد. شاهزاده در آخرین دقایق قبل از رسیدن شاه به بیمارستان در جریان تصمیم شاه قرار گرفت و بی‌درنگ به ماموران محافظ بیمارستان دستور داد تا تخت‌های بیمارستان را اشغال و در برابر ناصرالدین شاه نقش بیمار را ایفا کنند. نگهبانان نیز با عجله خود را روی تختخواب‌ها انداخته و زیر لحاف‌ها خوابیدند و خود را به بیماری زدند. شاه به هنگام ورود به بیمارستان با مشاهده غیبت نگهبانان و تفنگ‌هایی که این سو و آن سو پراکنده بود، متوجه شد کاسه‌ای زیر نیم‌کاسه است اما چیزی به روی خودش نیاورد. با وجودی که نگهبانان ماهرانه توانستند خود را بیمار نشان دهند و با آه و ناله جواب احوالپرسی‌ها و سوالات شاه را بدهند اما پوتین گل‌آلود یکی از بیماران قلابی که فرصت نکرده بود، آن را از پایش درآورد و به راحتی دیده می‌شد، ماجرا را فاش کرد و باعث شد تا شاه در عین عصبانیت دستور شلاق زدن بیماران مصلحتی را صادر و بیمارستان را تعطیل کند.

طب‌سنتی

از سلمانی تا دندانپزشکی

■ متاسفانه به علت عدم رعایت بهداشت و فقر غذایی، در دوره قاجاریه فساد و پوسیدگی دندان یکی از امراض بسیار شایع بود که اکثر مردم به آن دچار می‌شدند و از درد دندان می‌نالیدند و هرگونه ضمادها و شربت‌های شفابخش را نیز امتحان می‌کردند اما دردشان معالجه نمی‌شد. در آن دوره هیچ مرکز یا مطب یا حکیمی که وارد به دندانپزشکی باشد، وجود نداشت و مردم برای رهایی از دردشان، تن به کشیدن دندان می‌دادند. کشیدن دندان در آن دوران برعهده دلاک‌های حمام و سلمانی‌ها بود. سلمانی‌ها که اکثرا دارای دکه‌های بسیار محقر بودند در کنار کوچه و خیابان علاوه بر آرایش و اصلاح موی مردان، شغل دومی به نام دندان‌کشی داشتند و بدون آنکه از داروی بی‌حس‌کننده استفاده کنند، کارشان را آغاز می‌کردند. بعد از دیدن دهان بیمار و تشخیص دندان معیوب، بیمار را روی زمین می‌نشاندند و از شاگردان یا همراه بیمار می‌خواستند تا زانوهای خود را روی زانوان بیمار بگذارند و بر آنها فشار آورند تا دردی که در حین کشیدن دندان باعث آزار و اذیت می‌شود قابل کنترل باشد و بعد با وسیله‌ای تقریبا شبیه گازانبرهای فعلی به کشیدن دندان فاسد می‌پرداختند. و دندان را با زحمت و درد زیاد از دهان شخص خارج می‌کردند، ولی گاهی نتیجه کار رضایت‌بخش نبود و در حین کار دندان می‌شکست یا ریشه‌اش در لثه باقی می‌ماند که موجب خونریزی لثه و زخم‌های سخت در دهان می‌شد. به گفته یکی از سلمانی‌های قدیم که ۶۰ سال پیش به شغل دندانپزشکی مشغول بود، بیشتر اوقات به جای کشیدن یک دندان، به اشتباه دندان دیگری که کنار دندان فاسد قرار داشت، کشیده می‌شد. اما با تاسیس و افتتاح رسمی مدرسه دارالفنون تهران در سال ۱۲۲۸ ه.ش توسط امیرکبیر، صدراعظم ناصرالدین شاه که سرآغازی برای آموزش طبابت در ایران بود چند نفر از دندانسازان اروپایی اقدام به دایر کردن مطب‌هایی در تهران کردند. به مرور زمان، با مراجعه افراد برای رفع عیب دندان‌های فاسد به این مطب‌ها، کار و کاسبی سلمانی‌ها کساد شد. از سال ۱۲۹۰ شمسی پرداختن به حرفه دندانسازی موکول به تحصیل و دریافت اجازه‌نامه رسمی از وزارت معارف شد. در سال ۱۳۰۰ ه.ش در کل تهران، تنها سه نفر دندانپزشک وجود داشت به نام‌های دکتر فالک کوش میلچارسکی (اهل لهستان، دندانپزشک مخصوص رضاخان)، دکتر اتکیناشتومپ (اهل سوییس، دندانپزشک مخصوص اتابک) و دکتر هارطیون استپانیان (اهل ترکیه و از زمره پزشکان دربار). در سال ۱۳۰۷، رضاخان طی فرمانی، دستور تاسیس مدرسه دندانسازی را صادر کرد.

تاریخ طب در تهران قدیم

زهرا خالقی‌صفا

لاله‌زار

تهرانی‌های قدیم برای درمان دردهایشان گاه به فالگیرها و طالع‌بین‌ها یا به دعانویسان یا افرادی که فاقد هر نوع تخصصی بودند و بیشتر خودسرانه به مصرف جوشانده‌ها می‌پرداختند، مراجعه می‌کردند. اگر بیماران وضع مالی نسبتا خوبی داشتند به سراغ عطاری‌ها می‌رفتند. فروش دوا از کارهای اصلی عطاری‌ها بود و تا داروهای فرنگی متداول نشده بود، عطاری‌های سبزه‌میدان بسیار معروف بودند. عطار یعنی کسی که به تمام اسامی، خصوصیات و فواید علف و گیاه چه دارویی و چه غیردارویی واقف باشد و نام آنها را از شکل گیاه بشناسد و از طبع و خاصیت هر یک اطلاع کافی داشته باشد. از این رو این گونه عطاری‌های دوافروش خود نیمچه‌طبیب بودند که علاوه بر نسخه‌پیچی کار طبابت هم انجام می‌دادند که یکی دیگر از اسباب رونق کارشان همین کلینیک مجانی سرپایی‌شان بود که هم خود را ویزیت کرده و هم دوا تجویز می‌کردند. داروسازی نیز از دیگر کارهایشان بود که هر دکان عطاری به اسم خود قرص، کپسول، شربت و روغن‌هایی داشت که جهت امراض عمومی مورد استفاده قرار می‌گرفت و برای دواهایشان قوطی، جعبه و شیشه تهیه کرده و رویشان را با عکس و تعریف مزین ساخته و داروی خود و مکان خویش را معرفی می‌کردند. مثلا شربت مقوی: برای میل به غذا، اشتها، سوءهاضمه، دستگاه گوارش، حاج حسینعلی عطار، سبزه‌میدان. یا به ساخت معجون می‌پرداختند که به نام‌های معجون ارسطو، افلاطون و جالینوس می‌فروختند. در کل سبزه‌میدان، مرکزیتی برای عطاری‌ها و دواجات شده بود و ناگزیر خرده‌فروش‌ها، کیسه دستمالی هم در اطراف مغازه‌ها گرد می‌چیدند و بساط کرده و به کار نسخه‌پیچی مشغول بودند. بیماران نیز اطراف یک در حلقه‌زده و آشکارا یا زیرگوشی درباره علت و مرض خود صحبت و نجوا می‌کردند. افراد اگر بر اثر شانس معالجه می‌شدند که هیچ، یا اینکه آنقدر درد می‌کشیدند تا مرگشان فرا رسد. به‌طوری که فرنگیان مقیم تهران در دوره قاجاریه، وضع پزشکی و طبابت را کاملا ابتدایی و عقب‌مانده می‌دانستند و معتقد بودند که بسیاری از درمان‌ها ناشی از بخت و شانس بیمار بوده است.

خرافات به جای درمان

در دوره قدیم، بسیاری از بیماران برای درمان از یک‌سری خرافات پیروی می‌کردند مانند اینکه تکه کاغذی که روی آن چیزهایی نوشته شده مبنی بر اینکه تب را ببرد را همراه آب می‌خوردند یا تخم‌مرغ پخته‌ای که روی پوستش خطوط کج و معوجی کشیده و آن را مدت یک شبانه‌روز زیر بغل نگه داشته که داروی هر دردی است یا رویت الاغی ماده یا بزی حامله برای دور کردن بعضی از دردها و ناراحتی‌ها، یا الماس آویخته به گردن که موجب تقویت نیروی بدنی می‌شود یا تماس با سنگ قیمتی که ترس را از بین می‌برد و انسان را از حملات صریح درامان نگاه می‌دارد و موجب می‌شد دندان‌های کرم‌خورده بدون درد بریزد و خرافاتی از این قبیل....

طب ابن‌سینایی

با وجود شیوع خرافاتی که ذکر شد و اینکه توسط عوام مورد حمایت قرار می‌گرفت، رکن اصلی طبابت سنتی که از زمان ابوعلی سینا شکل گرفته بود، به کار خود همچنان ادامه می‌داد که دانش‌آموختگان مکتب ابن‌سینا را اصطلاحا «حکیم‌باشی» می‌گفتند که محل سکونت‌شان محکمه نام داشت که بعدها مطب جایگزین آن شد. تنها ماخذ مورد استفاده حکیم‌باشی‌ها، کتاب‌های قانون و شفا بود و در مواردی تجربه‌های شخصی خودشان را به کار می‌بستند که البته بسیار کم دیده می‌شد که بیماری به علت تشخیص نادرست حکیم‌باشی یا استفاده از داروی اشتباه فوت کند برای اینکه گیاهان دارویی رایج در طب آن دوره که امروز هم مورد استفاده قرار می‌گیرد، اثر تحذیری ندارد. اکثر حکمای آن زمان برای پذیرش بیماران از آنان حق‌المعالجه مطالبه نمی‌کردند بلکه خود بیمار، حق‌الزحمه‌ای در نظر می‌گرفت که معمولا به صورت مادی و نقدی نبود بلکه بیشتر به صورت کالا مانند قواره پارچه، کله‌قند، شیرینی خانگی و... بود. بیشتر اعیان و شاهزادگان طبیب مخصوص برای خود و خانواده‌شان داشتند.

پزشکان خارجی

از زمان سلطنت ناصرالدین‌شاه و رفت و آمد مکرر وی به کشورهای اروپایی، پای پزشکان خارجی نیز به تهران باز شد اما عوام به آنان مراجعه نمی‌کردند چرا که تصورشان بر این بود که خارجیان ارواح خبیثه‌ای هستند که نباید به آنان اعتماد کنند یا گروهی از مردم به دلیل اعتقادشان به درمان‌های گیاهی حاضر نمی‌شدند به پزشکان خارجی روی بیاورند. اما برخلاف طبقات پایین و متوسط جامعه، اشراف و اعیان از همان بدو ورود پزشکان خارجی، آنها را مورد توجه و حمایت قرار دادند. از میان اطبایی که در عصر ناصری به ایران آمدند، دکتر «تولوزرن» و دکتر «فوریه» که اسم و رسم بیشتری داشتند می‌توان نام برد که به آنان عنوان پزشکان درباری اطلاق می‌شد. همزمان با ورود اطبای فرنگی، ایرانیانی که از دوره عباس‌میرزا برای تحصیل به فرنگ رفته بودند به وطن بازگشتند و کارشان را زیرنظر پزشکان فرنگی آغاز کردند، اما نخستین مشکلی که پزشکان خارجی و داخلی با آن روبه‌رو بودند، عدم وجود داروهای شیمیایی و کارخانه‌های داروسازی بود تا جایی که آنان بعد از مدتی ناچار شدند در کتب پزشکی سنتی به‌دنبال خواص دارویی مثل گل ختمی، شیرخشت، سنبل‌الطیب، چهارتخمه و... بگردند و برای معالجه بیماران دست به دامن این گیاهان شدند.

جدول ۱۲۱۲

افقی

۱- داستانی از «هرمان هسه» نویسنده آلمانی، برنده نوبل ادبی ۱۹۴۶- شهر برج ایفل ۲- اختراع «مارکنی» ایتالیایی، از رسانه‌های گروهی- پیشینیان- خطای غیرعمد ۳- توانایی خواندن و نوشتن- کج- لیکن ۴- ساز شکوه‌گر- پدر آذری- ملکه آشور و بابل ۵- شهری در ترکیه- نام قحطانی مهاجم الهلال و تیم‌ملی فوتبال عربستان- کلاه فرنگی ۶- مروارید درشت- از انجیل‌های چهارگانه به نام قدیس مسیحی- جنگل کوچک ۷- وسیله جابه‌جایی بنشن در بقالی- نام پنج نفر از شاهان ساسانی- برنامه فردوسی‌پور ۸- عضو داخلی بدن- درختی پر شاخ و برگ- شهر بنای زیبای تاج محل در هندوستان ۹- محلی در مکه- پوشاک چهارپایان باربر- همگی ۱۰- آماده بهره‌برداری- مرگ- مکیدن ۱۱- عدد اول- بالشتک زینتی کنار مبل- قید تاکید، مسلما ۱۲- کشور ۷۲ ملت- نوعی یقه- مخفف جمشید ۱۳- چوبه اعدام- نوعی پرتقال- جواهر قلابی ۱۴- خداوند- عید سالانه میلاد حضرت مسیح(ع)- سرگشته ۱۵- نجات یافتن، خلاص شدن- اثری از اقبال لاهوری

عمودی

۱- مدت‌هاست غذا نخورده- کنایه از آدم پولدار! ۲- حکایت‌گر- داخل- سخن گوشه‌دار ۳- دریوزه- از دین برگشتن- خیاط ۴- ظلم- نفس دردمند- پژواک- وحشی ۵- ضمیر خارجی- فیلسوف یونان قدیم- ضمیمه ۶- تکنولوژی پیشرفته- باغ انار ۷- مقابل فنا- بخت و شانس- مشهور ۸- نشانی پستی- جمع هرم- باد ملایم و خنک ۹- سخن‌چینی- هدیه به عروس خانم- کشور «رایان گیگز» بازیکن منچستر یونایتد ۱۰- کار نگهداری و اداره آسیاب را به عهده دارد- اکنون ۱۱- کشیدن و رسم کردن- کلفت و درشت- زنده ۱۲- پایه- نام برهانی، گلزن استقلال- امر آوردن- سرزنش و ملامت ۱۳- پسر گودرز در شاهنامه- نامی دخترانه- چیدن محصول ۱۴- روزانه- پل زیبای مسیر راه‌آهن شمال- دژخیم ۱۵- دیپلمات- کارگردان سریال‌های «اولین شب آرامش» و «بیگناهان»

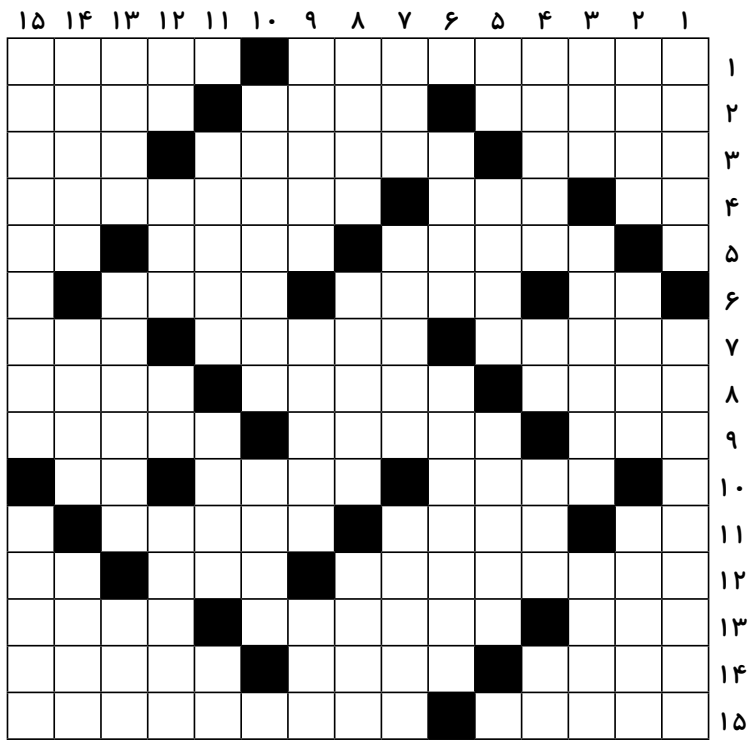

حل جدول ۱۲۱۱

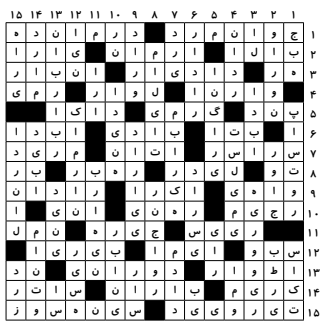

سودوکو ۲۲۰

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

	۵				۲		۱	
				۳	۷		۸	۹
		۱			۵	۳	۷	۲
	۲						۶	
			۹					
		۹		۲	۴		۵	
	۴	۶	۲					
۸								۷
	۷		۴			۶		۱

حل سودوکو ۲۱۹

۴	۵	۸	۶	۷	۹	۱	۳	۲
۱	۶	۹	۸	۲	۳	۴	۷	۵
۲	۷	۳	۱	۴	۵	۹	۶	۸
۹	۲	۵	۳	۸	۶	۷	۴	۱
۸	۳	۴	۷	۱	۲	۵	۹	۶
۶	۱	۷	۵	۹	۴	۲	۸	۳
۳	۹	۶	۲	۵	۷	۸	۱	۴
۷	۸	۲	۴	۶	۱	۳	۵	۹
۵	۴	۱	۹	۳	۸	۶	۲	۷